

## نقد متن مثنوی

— ۳ —

- ص ۷۶ س ۱۵ و ۱۶ این دو بیت از مولانا نیست .  
 ص ۷۷ س ۱۹ این بیت «ای عنود» الحاقی است .  
 ص ۷۸ س ۲ الحاقی است .  
 ص ۷۹ س ۱ و ۵ هر دو بیت الحاقی است .  
 ص ۸۰ س ۲ و ۳ ، پس سوی کاری ... (تا) ... چو ماه اندر ظلم ، هر دو از ابیات الحاقی است  
 و بجای آن باید این بیت اصلی گذاشته شود ،  
 گفتُ صجاً لک نعیمٌ دائمٌ بس لطیفی و ظریف و خو برو  
 ص ۸۰ س ۱۴ این نتیجه اخلاقی الحاقی است .  
 ص ۸۶ س ۲۰ الحاقی است .  
 ص ۸۸ س ۲ که مگو - شاید غلط چایی باشد . صحیح : که مگر .  
 - س ۱۵ برفکن - « » « » « » « » : بر مکن (از کندن) .  
 ص ۹۱ س ۴ ، تشنه مستقی ... ، و س ۶ ، شد حجاب ... هر دو بیت الحاقی و زائد است .  
 ص ۹۲ س ۴ الحاقی است .  
 - س ۱۱ سبز تر ، با خشکتر قافیه نمی شود . صحیح . سبز تر .  
 ص ۹۳ س ۱ الحاقی است .  
 - س ۵ عقل کند - صحیح ، عقل کند .  
 ص ۹۵ س ۱۱ این بیت « از محبت » از بیتهای الحاقی است ، و از ابیات اصلی این دو  
 بیت مناسب است ؛  
 از محبت تلخها شیرین شود از محبت متهما زرین شود  
 از محبت درد ها صافی شود از محبت درد ها شافی شود  
 ص ۹۶ س ۵ این بیت الحاقی است ، حذف شود . بیت بعد چنین تصحیح شود ؛  
 گفت یک کوریت ... - لازم نیست بدانیم چه کسی گفت . امروز هم می توانیم یک  
 حکایت یا یک ضرب المثل را بدون معین کردن گوینده با « گفت که ... » شروع کنیم .  
 ص ۹۷ س ۳ و ۲ ، این دو بیت الحاقی است . اگر مراد تمداد کردن معجزات موسی بوده  
 است چرا باقی را نشمرده اند !  
 ص ۹۹ س ۹ از توسنیز - صحیح ؛ تواز ستیز (شاید غلط چایی باشد) .  
 - س ۱۵ الحاقی است .  
 - س ۲۰ ای مرد دین - صحیح ؛ ای تیز بین .  
 ص ۱۰۰ سطور ۱۲ و ۱۴ و ۱۶ تا ۱۸ همه الحاقی است و اضافات کسانی است که تفصیل  
 بیشتر و تمام کردن قصه را می خواسته اند .

- ص ۱۰۱ س ۱۰ الجاقی است . همچنین س ۲۰ .  
 ص ۱۰۲ س ۸ الجاقی است .  
 ص ۱۰۶ س ۴ و س ۱۴ هر دو الجاقی است .  
 - س ۱۱ صد گمان - صحیح : صد نشان .  
 ص ۱۰۸ س ۵ الجاقی است .  
 ص ۱۱۰ س ۱۷ الجاقی است .  
 - س ۱۹ ایشان پر - صحیح : ایشانش ' پر .  
 ص ۱۱۳ س ۹ تا ۱۲ این چهار بیت در مزید اوصاف و بیان عیوب پیری الجاقی است و عجب دارم که باین قدر اکتفا کرده اند .  
 ص ۱۱۳ حاشیه : « بجای تر کها و فر نکبها » ! تر کها خوجا دارند ، و فر نکبها هم لابد همین را از تر کها گرفته اند . ' جعی در عربی نام مریدست معادل ملانصر الدین ما و خوجا نصر الدین تر کها ، و در عربی مصری گجا تلفظ می شود .  
 ص ۱۱۴ س ۴ الجاقی است . نمی دانم که در عهد مولانا « شیشه جام » در سقفا و پنجره ها می گذاشته اند یا نه - در ترکی امروز شیشه را مطلقاً « جام » می گویند .  
 - س ۵ چنین اصلاح شود : نی در معمور نی در بام راه .  
 ص ۱۱۵ س ۱۱ بیت « ای صاحب قبول » الجاقی است .  
 - س ۱۳ این هم الجاقی است . بعدها خود عرب بیان می کنند که یکی پراز ربک است و یکی پراز گندم . در شیوه داستان سرائی مولانا این گذاشتن تفصیل به اندکی بعد تر فراوان است .  
 ص ۱۱۶ س ۱۰ الجاقی است .  
 ص ۱۱۷ س ۷ « باریک حرف » گویا بمعنی عمیق و بسیار دقیق و پر زحمت باشد ، و با حرفه و پیشه ربطی نداشته باشد .  
 ص ۱۱۸ س ۲ الجاقی است .  
 ص ۱۲۱ س ۲ چرمدان - صحیح ، حُرمدان ، یا حُرمدان . این لفظ با جرم ارتباطی ندارد ، و بمعنی بگری یا کیسه ایست که در آن زر و جواهر و اشیاء قیمتی دیگر می گذاشته اند .  
 ص ۱۲۲ س ۲ زهف - صحیح : زحف ( - جمله دسته جمعی ) .  
 ص ۱۲۳ س ۳ بیت الجاقی است . این تفصیل را مولانا لازم بگفتن نمی دانسته است .  
 ص ۱۲۵ س ۲ رأفت است - صحیح : رقتست .  
 - س ۹ چنین تصحیح شود : تو بصورت رفته ای گم گشته ای \* زان نمی یابی که معنی هشته ای .  
 - س ۱۱ الجاقی است .  
 - س ۱۵ تا ۱۷ بجای این سه بیت که خائنان در امانت ساخته اند در نسخ اصیل مشنوی فقط این يك بیت هست که مولوی گفته ،  
 چار کس را داد مردی يك درم آن یکی گفت : این بانگوری دهم  
 و اینکه یکی فارسی و یکی ترک و یکی عرب بود بعد معلوم می شود ، مقدمه چیدن لازم نمی دیده است .  
 - س ۱۹ ای گرم - صحیح : این بُم (= این منم) .

- ص ۱۲۶ س ۱ مشت برهم می‌زدند - صحیح ؛ آن نفر جنگی شدند .  
 ص ۱۲۷ س ۴ و ۵ العاقی است .  
 - س ۱۵ العاقی است .  
 ص ۱۳۳ س ۵ العاقی است ، از طی کلام معلوم میشود که گوینده خداست .  
 ص ۱۳۴ س ۲ این بیت « ای ممتحن » العاقی است .  
 ص ۱۳۴ س ۴ لیک ماست - صحیح ؛ لیک‌هاست ( ورنه قافیه غلط است ) .  
 ص ۱۳۵ س ۱۰ ده سال او - صحیح ؛ ده سال و .  
 ص ۱۳۷ س ۱۸ و ۱۹ و ۲۱ و ۲۲ همه العاقی است .  
 ص ۱۴۲ س ۱۶ و ۱۵ ، این وصف جامهٔ نسوز که اهل سبا داشتند العاقی است ، و کاش میدانستیم چه کس آن را ساخته است . چنین وصفی از مندیله سفرهٔ آنس بن مالک در اصل مثنوی آمده است ( بانگک نای ص ۱۹۴ دیده شود ) .  
 ص ۱۴۲ س ۲۰ این بیت اینجا العاقی است ، بلفظی اندکی متفاوت با این درضمن حکایت شیر و نخچیران آمده است .  
 ص ۱۴۳ س ۱ این بیت « ای فتی - العاقی است .  
 - س ۱۵ العاقی است .  
 ص ۱۴۴ س ۹ تا ۱۱ همه العاقی است .  
 ص ۱۴۵ س ۲ از غذا - صحیح ( شاید غلط چاپی باشد ) ؛ از قضا .  
 - س ۳ عقل اول راند بر عقل ... گنده گردد - صحیح ؛ نفس اول راند بر نفس ... گنده باشد .  
 - س ۶ سگره - صحیح ؛ سکره ( Sokarrah = کاسهٔ گلی ) .  
 ص ۱۴۶ س ۳۱ تا ۶ و ۱۲ همه العاقی است ، و دوتا از ابیات « ای پسر » کم می‌شود .  
 ص ۱۴۷ س ۶۵ العاقی است .  
 - س ۱۳ بستان - صحیح ؛ بستان ( = بگیر ، مال خودت ) .  
 - س ۱۷ مصراع دوم و ۱۸ مصراع اول العاقی است ، و بیت چنین بوده است ؛  
 گرد او میگشت خاضع در طواف \* هم جلاب شکرش می‌داد صاف .  
 ص ۱۴۸ س ۶ صحیح چنین است ؛ ... که باشد اندر کوی او \* من بشیران کی دهم یک‌موی او .  
 ص ۱۴۹ س ۳ و ۴ ( انجمن با سخن قافیه شده است ) و ۸ ( نتیجهٔ اخلاقی ) همه العاقی است .  
 ص ۱۵۰ س ۸ موعده - صحیح ؛ مولد .  
 - س ۱۸ و ۱۳ و ۱۰ العاقی است .  
 ص ۱۵۱ س ۹ العاقی است .  
 ص ۱۵۲ س ۵ العاقی است .  
 ص ۱۵۴ سطور ۱۱ و ۱۳ و ۱۷ و ۲۰ همه العاقی است .  
 ص ۱۶۸ س ۵ مصراع دوم چنین خوانده شود ؛ گفت تو بگزین مرا ...  
 - س ۹ چنین خوانده شود ؛ ... سوالت می‌کنم \* ... گوی و آنکه .

- ص ۱۶۸ س ۱۱ بیت « ای نیکخو » العاقی است .
- ص ۱۷۳ س ۱۶ و ۱۵ العاقی است و يك « ای نابکار » کم میشود .
- س ۲۰ بشکافت زفت - صحیح ، بشکافت تفت .
- ص ۱۷۸ س ۲ العاقی است .
- ص ۱۷۹ س ۱۶ و ۱۸ و ۱۶ همه العاقی است .
- س ۵ مصراع دوم چنین خوانده شود ، بس مرود کوهی آنجا بیشمار .
- س ۱۴ جذب غذا - صحیح ، جذب قضا ( یعنی قضای الهی ) .
- ص ۱۸۰ س ۱۶ العاقی است .
- ص ۱۸۱ س ۱ این نتیجه اخلاقی هم العاقی است .
- دو بیت اخیر العاقی است .
- ص ۱۸۲ س ۹ و ۱ العاقی است .
- ص ۱۸۳ س ۶ « گفت آیا ای عجب با چشم کور » صحیح است .
- ص ۱۸۴ س ۱۱ العاقی است .
- ص ۱۸۵ س ۱۴ مدأ - صحیح مدی .
- ص ۱۸۶ س ۳ مصراع دوم - صحیح ، می شکافت نور او .
- ص ۱۸۹ س ۹ العاقی است .
- ص ۱۹۰ س ۱۶ العاقی است .
- ص ۱۹۱ س ۳ تا ۷ این پنج بیت اوصاف طنز آمیز کشتی نوح العاقی است .
- س ۱۷ العاقی است .
- ص ۱۹۲ س ۳ این بیت را برای تکمیل قصه ساخته و الحاق کرده اند . برای عاقل همین قدر که در بیت قبل گفته بود « ناگهانی از خرد خالیش کرد » . کافی بود بفهمد که یعنی رفت و در دام افتاد .
- ص ۱۹۳ سطور ۷ و ۱۴ و ۱۵ همه العاقی است .
- حاشیه ۲ التون بترکی بمعنی طلاست .
- ص ۱۹۵ س ۱۲ العاقیست .
- ص ۱۹۶ س ۱۴ و ۱۸ هردو العاقیست .
- ص ۱۹۷ حاشیه ۴ ، رسیل بمعنی هم آواز است .
- ص ۱۹۸ س ۴ و ۵ هردو العاقیست و دوتا « ای جان » هم کم می شود .
- س ۱۲ العاقی است .
- ص ۱۹۹ س ۱۱ این دوغ دوغ هم العاقی است .
- ص ۲۰۱ س ۵ زائد و العاقی است . بعد آمده است که باو می گفتند تو در جوانی چنین هادت داشتی که با زره بچنگ می رفتی .
- ص ۲۰۳ سطور ۶ و ۷ و ۱۳ و ۱۶ و ۲۱ همه العاقی است .
- ص ۲۰۴ پس از سطر ۴ يك بیت اصلی افزوده شود ؛
- هر کجا باشد شه ما را بساطت هست صحرا گر بود سم الخباط

ص ۲۰۴ س ۵ چنین تصحیح شود: هر کجا که یوسفی ... جنت است ارچه که ...  
- س ۶ و ۷ هردو الحاقیست حذف شود.

ص ۲۰۶ س ۱ الحاقیست.

- س ۱۳ و ۱۴ الحاقیست، مولوی لازم نمی دانسته است که چنین مقدمه ای بیاورد، همین قدر که بعد می گوید: گفت چندان آن یتیمک را زدی ... انسان عاقل را از این مقدمه مستفنی می کند.

ص ۲۰۶ بیت آخر و ص ۲۰۷ س ۱ تا ۴ همه الحاقی است، و یک بیت اصلی بجای هر پنج کافیسست، مثلا این بیت: همچو شیطان درسیه شد صدیکم \* خواند افسون کاتنی جارُ لکم .

- س ۶ چنین تصحیح شود: دید شیطان از ملایک اسیهی ...

- س ۱۷ این بیت «ای جوان» هم الحاقی است.

- س ۱۸ چنین اصلاح شود: بنگر اندر نخودی دردیگه ...

- س ۱۹ « » « » : هر زمان نخود.

- حاشیه ۲، میگریخت، در ترجمه پای خود وایس کشیده می گرفت که (نسخه صحیح همانست)، درست نیست. خود را عقب نگه می داشت، اصطلاح امروز است.

ص ۲۰۸ س ۱ کفگیر - صحیح: کفلیز. کفچلیز و کفلیز و کفلیزک هر سه لغات فصیح و صحیح است و معنی آن هم گویا همان کفگیر باشد، منتهی مولانا آن را آورده بوده است نه این یکی را، و نمی دانم که آیا کفگیر در آن زمان متداول بوده است یا نه.

ص ۲۱۶ س ۶ این بیت «ای پسر» و نصیحت اخلاقی از آیات الحاقی است.

- س ۱۹ بیت الحاقی است.

ص ۲۱۷ س ۱۵ الحاقی است.

- س ۲۰ و ۲۱ از یک بیت دو بیت ساخته اند برای آنکه از ابتدا معلوم باشد که این مردی که بوی عطریه و وشش کرد دباغ بود، و حال آنکه پس از چند بیت معلوم میشود. در ابتدا همین قدر کافیسست بگوید مردی در بازار رسید و بیهوش بر زمین افتاد. اصل گفته مولوی اینست:

آن یکی افتاد بیهوش و خمید چونکه در بازار عطاران رسید

ص ۲۱۹ س ۱ الحاقی است.

ص ۲۲۰ هفت بیت الحاقی در این صفحه است: سطور ۶۰۵، ۷۰۸، ۸۰۷، ۹۰۸، ۱۰۱۵، ۱۱۸۰.

- س ۱۹ چنین تصحیح شود: هر صباحی چون سلیمان آمدی \* خاضع اندر ... الخ.

ص ۲۲۱ س ۳ «ای کیا» و س ۶ «ای فتی» هر دو بیت زاید است و الحاقی است.

ص ۷ چنین اصلاح شود: پس سلیمان دید ... نو گیاهی رسته ...

ص ۲۲۲ س ۹ (بازیک «ای کیا» ی دیگر) و س ۱۶ هردو الحاقی است.

ص ۲۲۳ س ۱۷ و ۱۸ این دو بیت الحاقی است و حذف کردنی، ولی برای تکمیل مطلب

این دو بیت اصیل را بجای آنها باید نوشت:

سرد خواهد شد برو تاج و سریر

پس سلیمان گفت گرچه فی الأخير

جست باید تخت او را انتقال

لیک خود با این همه بر نقد حال

ص ۲۲۴ س ۶ و ۵ هردو الحاقی است.

- ص ۲۲۵ س ۵ (بیت من وسغن) الحاقی است .
- ص ۲۲۸ س ۱۱ الحاقی است .
- ص ۱۲ چنین تصحیح شود : ... آئی بزور \* آب جویش برده باشد تا بدور .
- ص ۲۳۵ س ۱ از آیات الحاقی است و بجای آن این بیت اصیل مناسب مینماید :
- این بیابان خود ندارد پاو سر  
بی جواب نامه خستست آن پسر
- ص ۲۳۶ س ۱۱ و ۱۰ هر دو الحاقی است .
- ص ۱۸ تصحیح شود : ... برمی شمرد \* ... حد و اندازه ببرد .
- ص ۲۳۷ س ۷ تفت - صحیح : نفت .
- ص ۲۳۸ س ۸ مصراع دوم باین صورت ساخته یك خوش نیتی بوده است که نخواستہ است مولانا باخت را باراست قافیه آورده باشد ، ولی بنده غلطی را که مولوی گفته باشد برصحیحی که دیگری بنام او ساخته باشد ترجیح میدهم .
- صحیح این مصراع چنین است : زاده شد آن شاه و نرد ملک باخت .
- ص ۱۴ و ۱۳ هر دو الحاقی است .
- ص ۲۳۹ س ۱۶ الحاقیست .
- ص ۲۴۳ س ۴ غصه خورد - صحیح : غصه بُرد .
- ص ۱۴ بیت نصیحت اخلاقی الحاقی و زاید است .
- حاشیه ۲ سلیم چه لزوم دارد «مارگزیده» باشد ؟ ساده دل هم میتواند باشد و اینجا شاید متناسب تر باشد .
- ص ۲۴۴ س ۱۸ و ۱۵ زائد و الحاقی است .
- ص ۲۴۵ س ۱۰ و ۹ هر دو الحاقی است و بیت اصیلی بجای آن دو که باید گذاشت این است :
- آنچنانکه وقت زادن حامله \* ناله دارد ،  
خواجه شد در غلغله .
- ص ۱۷ الحاقی است . مولوی لازم نمی دید بگوید که مرغ رفت .
- ص ۲۴۶ س ۵ باو - صحیح : بدو .
- ص ۱۱ همجنس - صحیح : همجنس . معنای ترکیبی مراد نبوده است .
- ص ۲۴۷ س ۱۶ چنین تصحیح شود : قوم گفتند ای امیر افزون مگو .
- ص ۱۹ نهان - صحیح : گمان .
- ص ۲۴۸ س ۵ سوی بحر رفت - صحیح : آن سیلاب رفت .
- ص ۸ الحاقی است . عقل مولانا هم بقدر این معتوه میرسیده است که می شود نام آن سه تن را گفت ، اما نخواستہ است بگوید .
- ص ۲۴۹ س ۱ و ۱۵ هر دو الحاقی است .
- ص ۲ من یکی از - صحیح : من بسوی
- ص ۶ گویی - صحیح : گولی (یعنی ابلهی) .
- ص ۲۵۰ س ۱ الحاقی است . بیچاره فلسفی !
- ص ۲۵۱ س ۸ آزد و بگردید ازولا - صحیح : آزد و برگشت ازولا .
- ص ۲۵۲ س ۸ بیا قافیه ای بوده است برخلاف معمول ، یافتی با ساختی ، مولانا شاعر بزرگی

بوده است اما بیچاره عقلش نمی‌رسیده است که این دو لفظ را نمی‌شود قافیه آورد ، این منشا سر باید آن را اصلاح کند ! صحیح بیت اینست :

گفت این دانش تواز کی یافنی که بدانش بینری بر ساختی  
ص ۲۵۴ س ۷ طالعی - صحیح : کالعی ( ترش روئی ) .  
- س ۲۱ العاقی است .

ص ۲۵۵ س ۱ باین صورت تغییر یافته بدست دیگرانست و بصورتی که مولوی گفته بوده شاید در منتخبات نتوان چاپ کرد ، اولی حذف آنست .

- س ۱۰ دستگیرش - صحیح : دست گیرش ( یعنی او را دست بگیر ) .

ص ۲۵۶ س ۱ و ۲ العاقی است . بیش از این دوبیت موابی فرموده است :  
زبده را گویم رها کردم فضول . اما فضولها با آنچه او گفته قانع نشده‌اند .

ص ۲۵۹ س ۱ بینی زمی - صحیح : بینی زنی . بینی زدن برخاک در نتیجه افتادن مراد است .

ص ۲۶۰ س ۱۵ العاقی است .

ص ۲۶۱ س ۱۲ العاقی است .

ص ۲۶۲ س ۲۱ العاقی است .

ص ۲۶۷ س ۶ العاقی است .

ص ۲۶۸ س ۱۶ العاقی است .

ص ۲۶۹ س ۲۱ « کامشبان هم باش تو مهمان ما » باید خوانده شود .

ص ۲۷۰ س ۱۱ « ای کرب » بجای « از کرب » صحیح است .

- س ۱۲ و ۱۶ و ۱۷ العاقی است .

- س ۱۵ چنین خوانده شود :

روز صیادم بدو شب یاسبان تیز چشم و صید گیر و دزد ران

ص ۲۷۱ س ۱ مصراع دوم چنین صحیح است : می کشانم بهر تقویت بدن .

- س ۱۷ العاقی است .

ص ۲۷۲ س ۴ و ۵ و ۱۱ العاقی است .

ص ۲۷۶ س ۱ شمین ، که در حاشیه آن را خوشبو معنی کرده‌اند ، بی اساس است و در هیچ

فرهنگی هم نیامده است . صواب « نمین » است بمعنی قیمتی ویر بها .

ص ۲۷۹ س ۸ و ۹ و ۱۵ و ۱۷ همه العاقی است .

- س ۱۶ چنین خوانده شود : دید او آن غنچ و برجست سبک

ص ۲۷۷ س ۱۰ و ۱۶ و ۱۷ العاقی است .

- س ۱۸ چنین خوانده شود : نه شما چون طفل خفته آمدید .

ص ۲۷۸ س ۱ و ۲ و ۷ و ۸ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶ و ۱۸ و ۱۹ همه العاقی است .

ص ۲۸۰ س ۱ تا ۳ العاقی است .

ص ۲۸۱ س ۱۹ العاقی است .

ص ۲۸۲ س ۱ العاقی است .

ص ۲۸۴ س ۱ موات مفرد است و بجای معنی مردگان باید مرده گذاشت .